

## تکمله ای صمیمی بزرگ نشست صمیمی؛

در فرهنگ رفتار اجتماعی؛ به دورهمی و جلسه‌ای که بین یک مسئول با چند نفر که از آن فرد مسئول مطالبه دارند ولی بنا به دلایلی از قبیل اجبار، منافع مشترک و یا نمایش و تبلیغات تشکیل می‌شود، نشست و یا جلسه صمیمی می‌گویند.

در اطلاع‌رسانی‌های قبل و بعد اینگونه جلسات، تأکید زیادی به صفت «صمیمت» برای آنها می‌گردد و بجز اعضای شرکت‌کننده در این دورهمی و جلسه، اشخاص و گروه‌های مبلّغ این نشست‌ها تأکید بر وجود صمیمت در جلسه (حتی اگر جلسه به دعوا و فحش کاری رسیده باشد) به حد افراط موج می‌زند. معمولاً یک طرف اصلی اینگونه جلسات، یک مقام دولتی دستگاه اداری است و طرف دیگر ذینفعانی هستند که به نوعی از دستگاه فوق مطالبه دارند. ادبیات و عرف حاکم و معمول بر اینگونه جلسات به اصطلاح صمیمی، شرح گرفتاری، مشکلات، بدبختی و گاه‌ها پیشنهاد از طرف ذینفعانی هست که با لحن آرام و یا تند و حتی با پرخاش مطرح میشود و تشریح مشکلات دستگاه اداری و توجیه و وعده دادن توسط مدیر دولتی.

در چند سال اخیر باب جدیدی نیز در ادبیات مدیران دولتی در نشست‌های صمیمی ایجاد شده است که آنها نیز با مطالبه‌گران، با بیان مشکلات مشابه همراهی نموده و برخی اوقات جای مطالبه‌گر و حل‌کننده مشکلات، طلبکار و بدهکار، کارفرما و پیمانکار عوض می‌شود. رفتار مدیران میانی که مدیرارشد دولتی را همراهی می‌کند نیز در نوع خودش بسیار جالب است. آنها معمولاً یک سررسید دارند که همه مطالبات مطرح‌شده در جلسه را در آن یادداشت می‌کنند و با حرکت سر، هر حرفی که از جانب طرفین جلسه مطرح میشود را تأیید می‌کنند و کاری به صحت و سقم آن ندارند. بازار عکس گرفتن در این جلسات نیز به شدت داغ است. همه عکسها برای روز مبادا، شاید به درد بخورد.

مباحث مطرح شده در این نشست‌های صمیمی عموماً تکراری است ولی همه شرکت‌کنندگان به نوعی رفتار می‌کنند که انگار این حرف و یا ایده برای اولین بار است که مطرح می‌شود.

یکی از این نشست‌های صمیمی که در حاشیه نمایشگاه اخیر صنعت برق تشکیل گردید؛ نشست صمیمی وزیر محترم جدید نیرو با فعالان بخش خصوصی صنعت برق است. خوشبختانه وزیر جدید نیرو تا چندی پیش به عنوان مطالبه‌گر در همین جلسات صمیمی حضور می‌یافت و کاملاً با مشکلات بخش خصوصی صنعت برق آشنا است، ولی به هر دلیل ترجیح داد که در جایگاه پاسخگو و شاید همفکری، نشست صمیمی هم داشته باشد. فعالان بخش خصوصی صنعت برق هم به دلیل اینکه ایشان تا یکسال پیش در جایگاه آنها بوده است با امید زیادی به این جلسه رفتند. همانگونه که پیش‌بینی می‌شد و روال اینگونه جلسات است همه مطالب مطرح‌شده از طرفین قبلاً عنوان شده بود و حرف جدیدی بجز تعریف و تمجید از بخش خصوصی زده نشد.

آقای وزیر مجدداً از اقتصاد بیمار برق گفت و چندین بار ناترازی برق را پیش کشید و از برنامه‌های دست‌یافتنی و دست‌نیافتنی وزارت نیرو گفت و فعالان بخش خصوصی، نیز از امنیت سرمایه‌گذاری، پرداخت مطالبات، قراردادهای یکسان و تسهیل در فرآیندهای کسب و کار گفتند و مدیران میانی نیز برای صدمین بار مطالب مطرح شده را در سررسید خود یادداشت کردند و در انتهای جلسه وزیر محترم با تشکر از مشارکت بخش خصوصی در مباحث جلسه و آرایه پیشنهادات ارزنده بر همکاری و همراهی بیشتر و نزدیک‌تر دیدگاه‌های کاری و تشکیل کارگروه مشترک تأکید نمودند و تعدادی از مدیران محترم خود را مأمور هماهنگی و پیگیری کردند و ادامه ماجرا.....

بدون تعارف و علیرغم همه ظرفیتهای بالقوه و تلاشهای گسترده و حتی وعده‌های مختلف، حال صنعت برق خوب نیست، عدم سرمایه‌گذاری متناسب با نیاز کشور طی دو دهه اخیر، صنعت برق را با یک ناترازی ۲۰ هزار مگاواتی در همه بخش‌های اصلی خود مواجه نموده است و رشد متوسط ۵ درصدی سالانه مصرف برق نیز مزید بر علت است.

تورم اقتصادی و تبعات ناشی از تحریم‌ها، اجازه هرگونه برنامه‌ریزی حتی کوتاه‌مدت را از صنعت برق گرفته و بدیهی است آثار این فرآیندهای طبیعی، که مهمترین آن مطالبات است باعث گردیده که بخش خصوصی بالاچاره نقش فاینانسور و تأمین‌کننده بی‌جیره و مواجب صنعت برق را بازی کند که نتیجه‌اش یا ورشکستگی بخش خصوصی است و یا بالا رفتن قیمت تمام‌شده پروژه‌ها، که در هر دو صورت، بخش خصوصی بازنده اصلی این بازی، دیگران خواسته است.

پیچیدن نسخه‌هایی از قبیل افزایش نرخ برق و آدرس غلط «مقصر مشترک برق است» و افراط و تفریط در توسعه انرژیهای تجدیدپذیر و محول نمودن وظیفه خودتأمینی به بنگاههای غیرمرتبط خصوصی، هم نمی‌تواند به تنهایی این معادله چند مجهولی و پیچیده را حل کند.

به نظر می‌رسد در کوتاه‌مدت باید خارج از شعارزدگی، با تقویت و حمایت از بخش خصوصی، خصوصاً پرداخت به موقع مطالبات آنها، وضعیت موجود شاخصهای صنعت برق را علیرغم همه ناترازی‌های آن حفظ نمود و اجازه نداد این ناترازی‌ها افزایش پیدا کند و در میان‌مدت و بلندمدت با روش‌های علمی و عملیاتی، امکان سرمایه‌گذاری جهشی در صنعت برق فراهم گردد. این روشها می‌تواند در قالب تعریف مدل اجرایی دقیق ولی ساده‌ای از ظرفیتهای ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید و توسعه معنادار بازار بهینه‌سازی، برای امکان سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی باشد و یا استفاده از پتانسیل ارزی خانگی با تضمین نقدشوندگی ارزی و سودآوری مناسب در دستور کار قرار گیرد.

استفاده از درآمدها ناشی از فروش دارائی‌های بلااستفاده شرکتهای وابسته و تابعه وزارت نیرو برای توسعه و بهینه‌سازی تأسیسات صنعت برق سالهاست بنا به ملاحظاتی مدیریتی روی زمین مانده است. برای توسعه صادرات فنی و مهندسی از مدل مدیریتی ویرا، مربی برزبلی در نیمه دوم بازی تاریخی ایران - استرالیا استفاده می‌توان کرد. صنعت برق باید در بحث پرداخت به موقع مطالبات و تضمین سرمایه‌گذاری از مدل قابل قبول بخش خصوصی استفاده کند. این مدل می‌تواند در قالب C‌های ریالی و ارزی برای پرداخت مطالبات و مدل تضمین بانکی با استفاده از پتانسیل سپرده‌های نزد خزانه باشد.

توجه و برنامه‌ریزی برای بهبود بهره‌وری فرآیندهای داخلی صنعت برق نیز سالهاست روی میز مانده است. وزیر محترم جدید با یک ناترازی مهم‌تر از ناترازی برق با عنوان ناترازی مدیریتی مواجه است. این ناترازی که ملاحظه کاری و تمثیل دستمال و سر بی‌درد چاشنی اصلی آن است به شدت صنعت پیشروی برق را تهدید می‌کند.

متأسفانه من هم در این یادداشت صمیمی، پیشنهادات تکراری دادم ولی لازم است اذعان کرد که نباید زرق‌وبرق و مشارکت گسترده بخش خصوصی در نمایشگاه اخیر صنعت برق را دلیل خوب بودن وضع این بخش دانست بلکه این حضور ناشی از همراهی و تعصب و غیرتشان به این مملکت و حس ذاتی کارآفرینی آنهاست.

حکایت حال فعلی بخش خصوصی صنعت برق، حکایت سیلی است و صورت سرخ، حکایت امید است و ماندگاری، حکایت پیشرفت است و تعصب به کشور و خلاصه حکایت صبوری است و ادب.

**\* ناخوش او خوش بود در جان من جان، فدای یار دل رنجان من  
عاشقم بر رنج خویش و درد خویش بهر خشنودی شاه فرد خویش \***